

## چوب بازی

ترجمه مدخل ČŪB BĀZĪ از دانشنامه ایرانیکا<sup>۱</sup>

نوشته روبین سی. فرند



مترجم: مسعود طاهرزاده

دانشجوی کارشناسی ارشد ایران شناسی

دانشگاه تهران

**چوب بازی** (که رقص چوب نیز نامیده می‌شود)، نوعی از رقص اقوام ایران است که در سراسر این سرزمین رواج دارد و از این لحاظ با بقیه رقص‌ها متمایز است و رقصندگان در آن چوب‌هایی را به هم می‌زنند. برخی نویسندگان اظهار داشته‌اند که ریشه این رقص‌ها به نبردهایی بازمی‌گردد که سبک‌هایی خاص داشته‌اند (الفاروقی). مجید رضوانی (ص ۱۸۹-۹۰) به این اشاره می‌کند که این رقص از رقص شمشیر و رقص جنگی نشأت گرفته است. چوب بازی در ایران دو شکل متفاوت دارد؛ اولی که منشأ آن را نبردهایی با شیوه‌های خاص می‌دانند، حرکت‌ها ضرباهنگی (ریتمیک) هستند اما ضربه‌های چوب‌ها به هم از الگوی خاصی پیروی نمی‌کند. این رقص توسط مردان به شکل دو به دو در برابر تماشاچیان اجرا می‌شود. این شکل چوب بازی بیشتر میان قبایل جنوب غرب ایران رواج دارد: لرها (مانند بختیاری‌ها و غیره) و ایل قشقایی (مبشری، ص ۷۱). از آنجایی که این رقص رقابتی، تهاجمی و مقداری خطرناک است، تنها رقصندگانی آن را اجرا می‌کنند که از تجربه کافی برخوردار باشند؛ احتمال آنکه رقصندگان کم تجربه دچار حوادثی مانند شکستگی دست و پا بشوند، زیاد است (انجوی، ص ۷۵-۷۶). در نوع قشقایی این رقص، دو مرد هماهنگ با موسیقی (که معمولاً توسط کرنا و نقاره نواخته می‌شود)، می‌رقصند. هریک از رقصندگان نقشی متمایز دارند؛ یکی به عنوان مهاجم، دیگری به عنوان مدافع. مهاجم با استفاده از یک چوب کوتاه و نازک، دور مدافع که یک تیر بلند را به حالت ایستاده نگه می‌دارد، می‌رقصد. پس از مدتی دور زدن پیرامون حریف، مهاجم ناگهان با چوب به پای او ضربه می‌زند؛ مدافع سعی می‌کند ضربه را که باید به زیر کمر باشد، با آن تیرک بلند دفع کند. مهاجم یک فرصت برای ضربه زدن دارد؛ خواه ضربه بزند یا آن شانس را از دست بدهد، در هر

1. ČŪB BĀZĪ- Robyn C. Friend- Encyclopedia Iranica- Vol. VI, Fasc. 4, p. 448 and Vol. VI, Fasc. 5, p.446 - Originally Published: December 1993, 15 Last Updated: November 2011, 2

حال باید جایش را با مدافع تعویض کند. معمولاً هرگاه هریک از آنها شانس بازی در هر دو نقش را داشته باشد، یا یک مهاجم جدید وارد می‌شود و یا هر دو بازیکن خارج می‌شوند و دو رقصنده جدید با هم وارد بازی می‌شوند. خان ایل ممکن است مهاجم باشد اما معمولاً نقش مدافع را نمی‌پذیرد، مگر اینکه شخص مقابل او در رقص، یکی از هم‌رده‌هایش باشد؛ یکی از خدمتگزاران یا شخصی دیگر از طبقه یا رده‌ای پایین‌تر می‌تواند جایگزین نقش خان به‌عنوان مدافع شود. این بازی وقتی در یک گردهمایی بزرگ یا بین اعضای ایل‌های مختلف انجام شود، می‌تواند پرشور و هیجان‌انگیز شود (گرگوئین‌پور، مکاتبات خصوصی، ۱۹۹۳). بنابراین چوب‌بازی در عین اینکه یک رقص است اما هم‌زمان نشانگر مهارت و شجاعت نیز است. شرکت‌کنندگان در ابتدا براساس توانایی‌های رزمی و در قدم بعدی براساس مهارتشان در حرکات هنگام رقص قضاوت می‌شوند (گرگوئین‌پور، مکاتبات خصوصی، ۱۹۸۷).

این رقص به همین سبک و سیاق میان ایل بختیاری رواج دارد، اما با نامی دیگر: ترکه‌بازی یا «رقص ترکه» (مبشری، ص ۷۱). رقص‌هایی از این دست بیشتر در بخش‌هایی از جشن‌های عروسی دیده می‌شود. در پاره‌ای از مناطق هم این رقص‌ها در مراسم‌هایی که در طول سال به مناسبت‌های مختلف برگزار می‌شود، اجرا می‌شوند. برای مثال در اراک، که در جنوب غربی شهر قم واقع شده است، چوب‌بازی بخشی از مراسم نقالی چهلمین روز زمستان است که (۱۰ بهمن - ۳۰ ژانویه) برگزار می‌شود. در این مراسم گروهی از مردان که نقال نامیده می‌شوند، خانه به خانه می‌روند و تشریفات و اعمالی را به نمایش می‌گذارند که باور دارند برای خانه‌ها خوشبختی و حاصلخیزی و باروری می‌آورد؛ به محض آنکه نقال‌ها وارد حیاط خانه می‌شوند، چوب‌بازی نیز به همراه سرنا (کلاریون) و دهل اجرا می‌شود (انجوی، ص ۷۷-۷۳).

دومین نوع چوب‌بازی، بیشتر سرگرمی اجتماعی است تا رقابتی بداهه‌پردازانه؛ حرکات رقصندگان و ضربات چوب‌هایشان بر یکدیگر از الگوی ضرباهنگی مشخصی پیروی می‌کند که می‌تواند جفتی باشد (مثل آنچه در بجنورد رواج دارد) یا می‌تواند در چیدمانی دایره‌ای اجرا شود که از مردان تشکیل شده است و گاهی هم از زنان (که بیشتر میان بلوچ‌ها رواج دارد). در این نوع دوم، هر رقصنده یک چوب به‌طول تقریبی ۱۸ اینچ را به‌همراه دارد و بخش اصلی رقص را اجرا می‌کند؛ در حالی که با ریتم موسیقی هماهنگ است، به چوب‌های رقصنده‌های دیگر و همچنین خود، ضربه می‌زند. اگرچه الگوهای مشخص حرکتی و ضرباهنگی در طول این رقص جمعی دنبال می‌شود، اما در همان چارچوب نیز اگر فرصتی پیش آید مجالی برای بداهه‌پردازی هریک از رقصنده‌ها، وجود دارد. (همادا، صص ۱۱-۱۲؛ آلن، یادداشت‌های میدانی، ۱۹۷۴).

رقص‌های مشابهی نیز در مراسم‌های تقویمی وجود دارد؛ برای مثال می‌توان به چوب‌بازی مراسم قیشدان چیخ‌دیم (به‌معنای «من از زمستان بیرون آمده‌ام») که در منطقه مرنند در آذربایجان اجرا می‌شود، اشاره کرد. این آیین که پایان زمستان در اسفندماه (اواخر فوریه و اوایل مارس) را بشارت می‌دهد، پیام‌آور بازآمدن آب‌وهوای گرم است. چوب‌بازی در این آیین به این صورت است که یک مرد به همراه دو ترکه چوبی می‌رقصد؛ او ترکه‌ها را طوری به هم می‌زند که از نظر ضرباهنگی با موسیقی که هم‌زمان توسط دف اجرا می‌شود، هماهنگی دارد (انجوی، صص ۲۰-۲۲).

نوع اول چوب‌بازی با رقصی از مصر علیا به نام «تحتیب» (مبارزه با چوب) قابل قیاس است (عایشه الی، مکاتبات خصوصی، ۱۹۸۷). اما مشابه نوع دوم رقص چوب‌بازی، فراوان است؛ مانند شوپلر که در افغانستان رواج دارد، مسوان در پاکستان و بنواری در هند (لئون وود، مکاتبات خصوصی، ۱۹۸۷). در واقع رقص‌های مشابه این را می‌توان در سراسر دنیا یافت. (نگاه کنید به کورت زاکس، ص ۱۲۳-۱۲۲، او دو نوع بنیادی رقص با چوب را بیان می‌کند که اولی با یک چوب است و دومی با دو چوب و نوع دوم را قدیمی‌تر می‌داند).

#### کتاب‌شناسی:

- L. I. Al-Faruqi, "Dances of the Muslim Peoples," *Dancescope* ۲/۱, ۱۹۷۶-۷۷, pp. ۴۳-۵۱.
- "Banwari," "Gujarat," *Marg* ۱۳/۱, December ۱۹۵۹, unpagued.
- L. Beck, *The Qashqa'i People of Southern Iran*, U.C.L.A. Museum of Cultural History Pamphlet Series ۱۴, Los Angeles, ۱۹۸۱.
- S. A. Enjavī, *Jašnā wa ādāb wa mo'taqadāt-e zemestān*, ۲ vols., Tehran, ۱۳۵۲-۵۴ Š./۱۹۷۳-۷۵.
- G. M. Hamada, *Dance and Islam. The Bojnurdi Kurds of Northeastern Iran*, M.A. thesis, University of California, Los Angeles, ۱۹۷۸.
- B. Kelkī, "Arūsī-e Baḳtīārīhā-ye Rūstā-ye Pāgač," *Honar o mardom* ۱۳۳, Ābān ۱۳۵۲ Š./November ۱۹۷۳, pp. ۳۶-۴۰.
- A. K. Maswan, "Folk Songs and Dances of Pakistan," in *Folk Heritage of Pakistan*, Islamabad, ۱۹۷۷.
- L. Mobaššerī, *Ahānghā-ye mellī. Manāteq-e janūb-e Īrān*, Tehran, ۱۳۳۵ Š./۱۹۵۶.
- M. Rezvani, *Le théâtre et la danse en Iran*, Paris, ۱۹۶۲.
- C. Sachs, *World History of the Dance*, New York, ۱۹۳۷.
- E. Schuyler, *Turkistan*, New York, ۱۸۷۷.